

بررسی تأثیر حافظه سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی جوانان در انتخابات

ریاست جمهوری سال - پاییز ۱۳۹۶؛ (مطالعه موردی: جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال

منطقه یک و نه تهران)

صاحب قربانیان^۱، صفورا رحیمی^۲

^۱ کارشناس ارشد جامعه شناسی - دانشگاه البرز قزوین.

^۲ کارشناس ارشد جامعه شناسی - دانشگاه البرز قزوین.

نویسنده مسئول:

صاحب قربانیان

چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از شاخص‌های عمده توسعه سیاسی محسوب می‌گردد. اصولاً مشارکت سیاسی به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» است. و به عنوان «نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در جامعه‌ای محسوب می‌شود. در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است از؛ درگیر شدن توده‌های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود. مشارکت سیاسی می‌تواند در دو سطح تودها (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی) معنا یابد. عوامل متعددی بر میزان مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های سیاسی دخیل هستند. در این کار تحقیقی تلاش شده است تا به بررسی تأثیرات حافظه سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی پرداخته شود. از دیر باز حافظه سیاسی در جامعه ایرانی نقش کم‌رنگی را در میزان مشارکت‌های سیاسی داشته است. که علل مختلفی برای آن بیان شده است. بنا به اعلان مراکز رسمی، میزان ماندگاری حافظه سیاسی نزد ما ایرانیان چیزی حدود پنج سال می‌باشد. با توجه به تاریخ و قدمت کهن جامعه ایرانی و بر اساس اینکه این کشور حوادث سیاسی و تاریخی فراوانی را در طی این سال‌ها به خود دیده است باید عنوان نمود که این میزان بسیار پایین بوده و حافظه سیاسی (تاریخی) مردم نقش کمی را در گزینش‌های مشارکتی در طول تاریخ ایفا کرده است. البته متغیرهای گوناگونی بر خود حافظه سیاسی به عنوان متغیرهای واسطه اثرگذار هستند که در این تحقیق روی چهار عامل اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، فضای سیاسی و میزان آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی تمرکز شده است. در این کار تحقیقی تلاش شده تا اثرات این متغیرها بخوبی بررسی شده و علی که اثرگذاری حافظه سیاسی را کاهش داده‌اند شناسایی گردند. روش استفاده شده در این تحقیق، روش پیمایشی به همراه بکارگیری تکنیک پرسشنامه طراحی شده برای جمع آوری اطلاعات در این رابطه است. جامعه آماری در این تحقیق، جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال تهران در دو منطقه یک و نه می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری ساده انتخاب شده‌اند. حجم نمونه‌ها ۲۲۰ عدد با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده و توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و در آمار استنباطی از روش پیروسون بهره‌گیری شده است.

کلمات کلیدی:

مشارکت سیاسی، حافظه سیاسی، انتخابات ریاست جمهوری، جوانان تهران

❖ مقدمه

حافظه (عادت واره) چند بعد دارد، حافظه وابسته است به تحولات اجتماعی، سیاسی و تاریخی. آدم‌ها متناسب با سطح و نوع فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، شناخته می‌شوند. در دوران مدرن، دولت‌های مختلف، اصلی‌ترین برنامه‌شان تأثیرگذاری روی حافظه است. به قول فوکو، دولت‌های ملی دغدغه سوژه داشتند، یعنی اینکه چگونه انسان‌ها فکر کنند و بیندیشند. تعلق داشتن به یک ملت، امری نمادین است، بنابراین سنت‌ها در خدمت دولت‌ها قرار می‌گیرد تا ملت‌ها از آن طریق بتوانند خود را بازتعریف کنند. یکی از باورهای رایج در میان ایرانیان این است که ایشان حافظه سیاسی - تاریخی کوتاهی دارند. حافظه یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی ما است که به وسیله آن، بودن خود را شکل می‌دهیم. کاربست تجربه‌ها در زندگی به حافظه بستگی دارد. ما باید نوعی خودآگاهی درباره چیستی، چرایی و چگونگی حافظه پیدا کنیم و برای توسعه همه جانبه نیازمند درک حافظه هستیم. بسیاری از مسائل و کنش‌ها در جهان پیرامون حافظه شکل گرفته است. اینکه یک قوم چه چیزی را به خاطر بیاورند یا فراموش کنند، پیرامون حافظه شکل می‌گیرد. حافظه آن بخش از فرهنگ ما است که عاملیت ما را نشان می‌دهد. اما متأسفانه نوعی غفلت از فهم و چیستی حافظه در جامعه ما به وجود آمده است.

❖ بررسی مبانی نظری و سوابق تحقیق

مردم ایران به دلیل شرایط تاریخی حافظه سیاسی قوی نداشته و در مقابل کنش‌های یکسان تاریخی واکنش‌های یکسان از خود بروز نمی‌دهند. بنابراین زمان، مکان و موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سه عامل مهمی است که می‌تواند حافظه را از سمتی به سمت دیگر پیش ببرد و جریان تازه‌ای را ایجاد کرد. ملت ایران در ابتدای تجربه زیست دموکراتیک قرار دارد. این ملت سالیان سال طعم تلخ سیاست‌های استبدادی را در ادوار تاریخی چشیده است. در تجربه نو دموکراتیک نمی‌توان انتظار داشت که مردم به جریان مستمر تاریخی و سیاسی اعتماد کنند و این اعتماد در ادوار بعد تکرار شود. در کشورهایی که دموکراسی سابقه ای طولانی ندارد مردم نیز دارای حافظه سیاسی و تاریخی قوی نیستند و همواره از یک سو به سوی دیگر می‌روند. اما در کشورهایی که دموکراسی پیشینه زیادی دارد با ایجاد اعتماد همه چیز به شکل مطلوب پیش می‌رود. جامعه ایرانی تجربه دموکراتیک زیادی ندارد و مردم در حال تجربه هنوز به شرایط بیرونی اعتماد آن چنانی ندارند از این رو برای تصمیم‌گیری به لحظه می‌اندیشند و گذشته تلخ تدوین نشده را فراموش می‌کنند.

۱-۲. تعریف حافظه سیاسی^۳ از دیدگاه جامعه‌شناسان شووآرتس و لورا نصرالله

حافظه سیاسی که شووآرتس^۴ از آن صحبت می‌کند حافظه‌ای است که بصورت گزینشی می‌تواند یکسری خاطرات را برجسته و یا حذف کند بر اساس الگوهای ساخته شده شخصی که منطبق هستند با ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه. افراد بر اساس تمایلات فردی و نوع گزینش‌هایی که می‌کنند برخی حوادث و وقایع سیاسی - اجتماعی را در حافظه خود ثبت و ضبط می‌کنند. و از آن‌ها در مشارکت‌های سیاسی خود استفاده می‌نمایند (شووآرتس، ۱۹۷۳). در تعریفی دیگر از حافظه سیاسی، لورا نصرالله^۵ می‌گوید که این نوع حافظه، یک بخشی از حافظه جمعی است که توسط عوامل متعدد سیاسی ایجاد می‌شود. حافظه سیاسی این توانایی را دارد که برخی رخدادهای در ذهن افراد نگهداری کند و برخی دیگر را هم به دور اندازد. این حافظه به شکل متقابلی هم تأثیر می‌گیرد از الزامات ارزشی و فرهنگی در جامعه، فرهنگ عمومی رایج در جامعه و از ساختارهای هویت افراد. و هم روی آن‌ها تا حدودی تأثیر می‌گذارد (لورا نصرالله، ۲۰۰۵).

۲-۲. گذشته در زمان حاضر حضور دارد یا بوسیله زمان حال ساخته می‌گردد؟

در سنت زبان انگلیسی و زبان آلمانی در نظریات اجتماعی بیشتر از واژه دانش / شناخت استفاده می‌شود تا مفهوم حافظه به معنای مورد نظر ما، و در فرایند شناخت و درک واژه شناخت جایگاه خاصی دارد. جورج هربرت مید خاطر نشان ساخته که گذشته در زمان حاضر

3-Political memory

4-Shoart

5- Lora Nasrolah

حضور دارد (هربرت مید^۶، ۱۹۳۲). مید همانند هالبواکس^۷ می‌پذیرد که گذشته در زمان حال حضور دارد. یک فرد همیشه در زمان حال درباره گذشته فکر می‌کند و دانش وی درباره گذشته از زمان حال تأثیر می‌پذیرد و ممکن است تغییر کند (آدام، ۱۹۹۵: ۸۱). آلفرد شوتس با اختباس^۸ و الهام از پدیدارشناسی می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه یک فرد به ذخیره دانش خودش شکل می‌بخشد. وی با استفاده از واژه «نگهداری» فرایندی را نشان می‌دهد که فرد ذخیره دانش خودش را از طریق تجاربش ایجاد می‌کند. همچنین، وی تذکر می‌دهد که جهان اسلاف (گذشتگان)^۹ در شکل‌گیری دانش مربوط به جهان اجتماعی نقش کلیدی دارد (شوتس و لاکمن، ۱۹۷۳).

مید و شوتس و همینطور هالبواکس بر جنبه ایجاد کنندگی گذشته تأکید دارند درحالی‌که مایکل پولانی کسب ناآگاهانه دانش را امری می‌داند که از طریق دسته‌بندی مجدد «دانش ضمنی»^{۱۰} انجام می‌گیرد. حرف اصلی پولانی در مورد دانش ضمنی چنین است: «ما بیش از آنچه که می‌توانیم بگوییم، می‌دانیم» (پولانی، ۱۹۶۶: ۴). یعنی دانش به آنچه که ما می‌توانیم با استفاده از زبان بطور آگاهانه تحلیل کنیم محدود نیست. دانش فراتر از چیزی است که توضیح می‌دهیم، مثل گره زدن طناب. ما طناب را به راحتی گره می‌زنیم ولی توضیح دادنش سخت است. از نظر پولانی دانش ضمنی خیلی مهم است.

دو شیوه متفاوت اندیشیدن درباره گذشته وجود دارد. یکی بر جنبه‌های ایجاد کنندگی گذشته تأکید می‌ورزد و دیگری بر جنبه‌های ناآگاهانه انتقال گذشته. اگر بخشی از دانش ضمنی است این بخش می‌بایست به لحاظ اجتماعی ایجاد و انباشته گردد. بنابراین، دانش ضمنی در بردارنده برخی ابعاد انباشتگی است. دانش ضمنی که بدین شیوه فهمیده می‌گردد معنای خیلی نزدیک با مفهوم «عادتواره / منش»^{۱۱} در نظریه اجتماعی پی‌یر بوردیو دارد. برداشتی که بوردیو از عادتواره دارد به شخص اجازه می‌دهد تا یک موقعیت مشخص بدون هرگونه بازاندیشی مناسب باشد، چون عادتواره در بدن ما جای دارد و این امکان را فراهم می‌سازد که ساختار اجتماعی تقویت گردد (بوردیو، ۱۹۸۰).

۳-۲. جامعه مدرن و حافظه

نظم تجدید خاطره می‌بایست در همه اجتماعات ذاتی و ماندگار باشد. اما هر اندازه که جامعه پیچیده‌تر می‌شود نظم تجدید خاطره به خطر می‌افتد، زیرا جامعه پیچیده فرصت‌های بیشتری برای گردهمایی افراد ناشناس فراهم می‌سازد و این افراد ناشناس دارای حافظه یا خاطرات یکسان نیستند. خانواده‌ها و اجتماعات به سمت از دست دادن استقلال و تسلیم به نظم دولتی گرایش دارند و نظم دولتی صرفاً برای ایجاد صلح بین گروه‌های مختلف که بر سر مسأله حافظه درگیر ستیز هستند بوجود آمده است. برای انجام این نقش لازم است که دولت — ملت بکوشد تا چارچوب جدیدی را برای حافظه جمعی ایجاد کند و این همان چیزی است که نوراً آن را سایت حافظه نامیده است. برداشت از حافظه جمعی و جنبه ایجاد شده آن از سوی نوراً کاملاً یک امر اتفاقی نیست. در واقع، هنری پی‌یر جودی خاطر نشان کرده است که از دهه ۱۹۸۰ جوامع صنعتی شروع به ایجاد نژادشناسی شهری و منطقه‌ای خودشان کرده‌اند (جودی، ۱۹۸۶).

همینطور، در جامعه‌شناسی یک روش جدید مبتنی بر تاریخ زندگی یا داستان زندگی برجسته شده بود. این پدیده مشترک در جوامع صنعتی بخشی بخاطر تشدید نوآوری در صنعت بود که بطور اجتناب‌ناپذیری موجب تحول اجتماعی و کاهش صنعت قدیمی و ارزش آن گردید و سایت‌های صنعتی قدیمی به عنوان میراث فرهنگی برای پر کردن این شکاف به رسمیت شناخته شدند. بنابراین، ما وارد عصری شده‌ایم که ما فعالانه و بطور جامع می‌کوشیم تا میراث مشترک را که محصول تجارب مختلف افراد و فرهنگی است که ایجاد کرده‌اند، حفظ کنیم. این تلاش بیانگر ورود ما به «عصر حفاظت»^{۱۲} است.

-
- 6- Jorje Herbert Mid
 - 7- Halboacse
 - 8- retention
 - 9- predecessors
 - 10- tacit knowledge
 - 11- habitus
 - 12- age of preservation

در این عصر آنچه که حفظ می شود بیشتر از چیزی است که به عنوان میراث فرهنگی برخوردار از ارزش هنری تلقی می گردد یا از اموال بدست آمده از گذشته های دور مثل مومیایی های مصر باستان بیشتر است. اشیایی که حفظ می شوند شامل وقایعی هستند که به خاطرات وحشتناک و شنیع ربط دارند و ممکن هنوز هم آشکار باشند و ممکن است برخی از مردم بخواهند فوراً آن را از یاد ببرند مثل بمب اتمی که در بخش یونسکوی سازمان ملل متحد در فهرست میراث جهانی ثبت شده است. علاوه بر بناهای یادبود و خاطرات جنگ میراث دیگری که دارای آثار منفی هستند از جمله مین های منفجر شده ای که باعث آلودگی محیطی شده اند، وقایع صنعتی و ساختمان های به جا مانده از دوران استعمار را می توان به عنوان «میراث منفی»^{۱۳} در نظر گرفت. این میراث منفی با میراث فرهنگی دوران باستان تفاوت دارد، زیرا دستیابی به توافق سیاسی درباره آن آسان است و هم می تواند موجب منازعات و ستیز سیاسی گردد. مسأله میراث منفی به خوبی نشان می دهد که چگونه جامعه مدرنیته متأخر به سمت حفظ کردن گذشته اخیر از جمله حافظه منفی گرایش دارد حتی خاطرات مربوط به وقایعی که مردم دوست ندارند آنها را به یاد داشته باشند. ما مجبوریم حتی وقایعی را بخاطر بسپاریم که تمایل داریم آنها را از یاد ببریم. از دیدگاه جامعه شناسی حافظه جمعی، این امر به فقدان نظم یادآوری بر می گردد که اجازه می دهد ضمن سوگواری برای مرگ به زندگی ادامه دهیم. از طریق نظم یادآوری نوعی تلاش برای احیای نظم و غلبه بر بحران وجود دارد. جامعه مدرنیته متأخر می کوشد تا نوعی نظام مقتضی را برای سوگواری از طریق یادبودها، موزه ها، بناهای یادبود و گردآوری داستان های مختلف بیابد. عدم امکان سوگواری می تواند یکی از مسائل جاری در جامعه شناسی حافظه جمعی باشد.

۴-۲. زمان پست مدرن و حافظه

در حالیکه از منظر مدرنیست ها گذشته توسط زمان حال تعریف می گردد و زمان حال نیز بوسیله آینده تعریف می شود، پست مدرنیسم نگاه تاریخی را نامناسب می داند و در پی معنا یا بیان هر فرایندی است که معنا ایجاد و خلق می گردد. در مدرنیسم دو برداشت از زمان وجود دارد. یکی از آن فلسفه مدرن است که در آن تاریخ به عنوان فرایند آزاد و رها سازی نوع بشر تلقی می گردد. دومی نگاه پست مدرن است که از قالب گذشته - حال - آینده فاصله می گیرد و برداشتی خط مستقیم (یکراست) از زمان ارائه می دهد. از منظر پست مدرنیسم گذشته فقط به عنوان خاطرات وجود دارد. مهم ترین چیز در اینجا برای مدرنیته وجود داشتن است و آن مستلزم نگاه تاریخی مدرنیستی نمی باشد که طرح واره هایی از آزادی انسان را ترسیم می کند بلکه دیدگاه پست مدرنیسم همه آن طرح ها را زیر سؤال می برد. بعلاوه، برداشت پست مدرنیسم از زمان مخالف نگاه مدرن به تاریخ نیست. مهم تر از همه مدرنیته هم دارای جنبه های مدرن است و هم پست مدرن و بدون این دو نمی تواند وجود داشته باشد (آجینو، ۲۰۱۳).^{۱۴}

- حافظه سیاسی ابزاری است که به شهروندان کمک می کند تا به اقدامات و موضع گیری های نمایندگان دسترسی داشته باشند. و یا حتی بتوانند مواضع خود را راجع موضوعات سیاسی پیگیری و رصد نمایند. حافظه سیاسی به ایجاد نوعی حافظه عملی ساخته شده توسط نمایندگان انتخابی در سراسر دوران فعالیت سیاسی شان کمک می کند. وجود این حافظه برای شفافیت بخشیدن به دموکراسی امر حیاتی و لازم است. حافظه سیاسی نوعی ابزار برای افراد، سازمان ها یا حتی نمایندگی هاست تا بتوانند درک بهتری درباره موضوعات چالش برانگیز در مجلس و جامعه ما بدست آورند. بر همین اساس اعضای مجلس بر اساس آراء و اقدامات شان مورد توجه هستند نه بر اساس حرف هایی که می زنند تا رأی جمع آوری کنند. هدف آن داشتن یک آگاهی و بررسی سریع از اقدامات نمایندگان در رابطه با مسائل چالش برانگیز خاص است (میرزایی راجعونی، ۱۳۹۶).

پیشینه تحقیق

۳-۱. مطالعات داخلی

۱- علیرضا ذوالقدر (۱۳۹۳) در مورد بازنمایی تصویر مغولان در حافظه تاریخی ایرانیان (منابع تاریخی قرن ۷ تا ۱۰ هـ- ق) اقدام به انجام تحقیقی نموده است. وی با طرح این سوال که چگونه می‌توان بازنمایی تاریخی حمله مغولان را در حافظه تاریخی ایرانیان در قرن ۷ تا ۱۰ قمری مورد بررسی قرار داد؟ این تحقیق را آغاز نمود. این بازنمایی با استفاده از متون و منابع تاریخی به جا ملنده در خلال قرن های یکام تا هفتم صورت پذیرفته است. مغولان و هجوم و حضور آنان در تاریخ میانه ایران از رویدادهایی است که در حافظه تاریخی ایرانیان نقش بسته اما، به حافظه سپاری این رویداد از آن دوران تا به امروز، به واسطه متون تاریخی میسر شده است. او در ادامه این تحقیق تلاش داشته تا نشان دهد که، چگونه می‌شود به مقتضای تاریخی دیدن حافظه تاریخی، متنوع دیدن طیف های جامعه در به یادسپاری خاطرات در حافظه سیاسی نسبت به هجوم مغولان، که هر یک بنا به موقعیت و وضعیتی که از هجوم مغول دچار شده اند، تصویر خاص و گاه متفاوتی از مغولان را در حافظه تاریخی و سیاسی خود ایجاد کرده‌اند و آن را در حافظه خود ثبت نموده‌اند. روش این تحقیق استفاده از متون و اسناد تاریخی بجا مانده از قرون فوق الذکر بوده است. ایرانیان در بازنمایی تصویر مغولان دو رویکرد متفاوت را در پیش گرفته بودند؛ نتیجه این تحقیق دو تصویر بازنمایی شده است. در تصویر اول، مغولان را کافر و مهاجم و غارتگر معرفی می‌کند که در سرزمین ایران به کشتار وسیعی دست زدند. تصویر بازنمایی شده در حافظه سیاسی به صورت دوم، مغولان را فرستاده خدا، ظل الله، شاهنشاه، عادل، جم جاه و ... معرفی می‌کند.

۲- نفیسه شریفی (۱۳۸۷) تحقیقی با عنوان حافظه سیاسی و هویت دینی را در میان جوانان شهر تهران سامان داده است. سوال اصلی این تحقیق این بوده که چگونه می‌شود حافظه سیاسی و دین هر دو هم به لحاظ نقشی که در ساختن هویت افراد و گروهها بازی می‌کنند و هم به دلیل تأثیری که بر یکدیگر می‌گذارند در مشارکت سیاسی تأثیرگذار خواهند بود؟ در مورد هویت دینی از روش دسته‌بندی‌های هویتی (هویت دینی سنتی، هویت دینی ایدئولوژیک، هویت دینی نوگرا) با تأکید بر چگونگی تأثیر آن بر حافظه سیاسی که توسط متفکران حوزه دین تا کنون مطرح شده است استفاده شده است. روش تحقیق این کار بر اساس نظریه مبنایی که یکی از اصول روش تحقیق کیفی است صورت گرفته است. همچنین نشان داده شد که چگونه هر دو تحت تأثیر تجارب زیسته فرد یا حافظه زندگی‌نامه‌ای شان بازتعریف می‌شوند. این تحقیق در نتیجه به این گزاره رسید که: حافظه تاریخی و هویت دینی هر دو تحت تأثیر حافظه سیاسی و فردی افراد به صورت زندگی‌نامه‌ای هستند.

۳-۲. خارجی

۱- کتاب درباره حافظه جمعی^{۱۵} نوشته لویز.آ. کاوتر (۱۹۹۲) که توسط انتشارات دانشگاه شیکاگو منتشر گردیده است. در این کتاب نویسنده در مورد پرسش اصلیش یعنی؛ مولفه‌های حافظه جمعی و تأثیر آن در اجتماع بر روی حافظه سیاسی پرداخته و نسبت به مبنای و مولفه‌های حافظه جمعی در شکل‌گیری و تداوم جوامع سخن می‌گوید. روش بکار رفته در این کتاب استفاده از وقایع تاریخی و خاطرات افرادی که در این وقایع حضور داشته‌اند بوده است. از جمله نتایج به دست آمده در این کتاب این بوده است که، لزوماً تأثیرگذاری حافظه جمعی بر حافظه سیاسی در رابطه با شکل‌گیری و تداوم جوامع به شکل مستقیم نبوده است. در اکثریت مواقع این تأثیرگذاری به صورت غیر مستقیم در زمان نسبتاً طولانی رخ می‌دهد.

۲- کتاب حافظه جمعی رویدادهای سیاسی: دیدگاه های روانی اجتماعی^{۱۶} نوشته: جیمز دبلیو پنه بیکر (۱۹۹۷) که توسط انتشارات بارنز و نوبل منتشر گردیده است.

15- On collective memory

16- Collective memory of political events: Social psychological perspectives

در این کتاب محقق به حافظه جمعی و سیاسی مردم در ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی بعد و قبل از وقوع آن و همچنین استفاده از این حافظه جمعی و سیاسی در وقوع ناآرامی‌های جدید اجتماعی و سیاسی در جامعه توجه کرده است. محقق تلاش دارد به این سوال پاسخ دهد که چگونه ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی بر روی حافظه سیاسی مردم در جامعه تأثیرگذار هستند؟ از جمله مهم‌ترین نتایج و یافته‌های این کتاب این بوده است که، لزوماً ریشه بیشتر ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی ذهنیت و خاطراتی است که مردم جامعه در حافظه خود ثبت کرده‌اند و در زمان مناسب واکنش‌های غالباً احساسی و گاهی منطقی و حساب شده به آن نشان می‌دهند.

❖ چارچوب نظری مورد استفاده در تحقیق

چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق استفاده تلفیقی از دو رهیافت ابزارگرایانه «سازه‌انگاری» و گفتمانی «کارکردی» وابسته به مکتب ساختاری - کارکردی است. زروباول معتقد است که افراد آن چیزهایی را به یاد می‌آورند که در گذشته خود بدان وابستگی و تعلق پیدا کرده‌اند.

شواریس معتقد است که، حافظه سیاسی دست به نوعی گزینش می‌زند در برجسته‌سازی یکسری خاطرات بر اساس الگوهای ساخته شده شخصی که همواره در حافظه ثبت شده‌اند. بر همین اساس فرآیند ساخته شدن خاطرات در حافظه به شکل جانبدارانه، یکسری کیفیت‌های از سوژه‌ها و تحمیل آن‌ها بر حافظه بر اساس الگوهای ساخته شده شخصی افراد هستند. کارکرد حافظه باز ارائه‌ای است از تجسم میان نمادهای به یاد آورنده و شواهد تاریخی و اجتماعی.

باری اسپوراتس تحلیل می‌کند که نمادهایی مثل مقبره‌ها و ... عواملی هستند که توزیع می‌کنند تا حدود زیادی آنچه را که در باره ظرفیت‌های ساختاری حافظه و هر آنچه که راجعشان تفکر می‌کنیم. «آنچه که ما را وادار به اندیشه کردن می‌کند». بر اساس گفته‌های او تضاد موجود مابین تدوین تاریخ و حافظه به شکل خیلی واضح و روشنی حل و فصل نشده است (شواریس، ۱۹۹۷: ۴۸۹).

افراد از آنچه در گذشته رخ داده است به عنوان یک مخزن شخصی در حافظه استفاده می‌کنند. کارکرد این حافظه ایجاد ارتباط میان روابط اجتماعی، سیاست‌ها و حافظه شخصی افراد است (گیدنز، ۱۹۸۴).

❖ فرضیات تحقیق

- فرضیه اصلی

۱- به نظر می‌رسد حافظه سیاسی، یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر افزایش میزان مشارکت سیاسی باشد.

- فرضیات فرعی

۱- به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تأثیرات حافظه سیاسی بر افزایش مشارکت سیاسی، نقش آن در افزایش آگاهی اجتماعی نسبت به مسائل سیاسی از طریق فعالیت در دنیای مجازی باشد.

۲- به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تأثیرات حافظه سیاسی بر افزایش مشارکت سیاسی، نقش آن در افزایش انسجام سیاسی در جامعه باشد.

۳- به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تأثیرات حافظه سیاسی بر افزایش مشارکت سیاسی، نقش آن در افزایش اعتماد سیاسی در جامعه باشد.

۴- به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تأثیرات حافظه سیاسی بر افزایش مشارکت سیاسی، نقش آن در افزایش اثربخشی سیاسی در جامعه باشد.

۵- به نظر می‌رسد بین نوع دولت و تأثیرگذاری آگاهی بخشی آن‌ها بر حافظه سیاسی رابط وجود دارد.

۶- به نظر می‌رسد هرچه جامعه دارای فضای باز سیاسی بیشتری باشد، تأثیرگذاری آگاهی‌های ناشی از وجود آن بر حافظه سیاسی در مشارکت سیاسی بیشتر می‌شود.

❖ روش‌شناسی تحقیق

۱-۶. روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی و اسنادی استفاده شده است. روش پیمایش در پی توصیف یک پدیده اجتماعی یا دست‌یابی به روابط میان موجود در پدیده‌ها است و از جمله روش‌های اسنادی، روش کتابخانه‌ای است. در ادامه برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از روش SPSS استفاده شده است. (طالب، ۱۳۸۰: ۱۳).

۱-۲-۶. محیط تحقیق و جامعه آماری

منطقه یک شهرداری تهران در منتهی‌الیه شمالی شهر تهران قرار دارد. این منطقه از شمال به رشته کوه البرز، از غرب به رودخانه درکه، از جنوب به بزرگراه‌های شهید چمران، آیت‌الله صدر و از شرق به جاده لشکرک و پارک جنگلی قرچک محدود می‌شود. شهرداری منطقه یک دارای ۱۰ ناحیه و ۲۶ محله شهری است. مساحت منطقه بدون احتساب حریم ۴۶ کیلومتر مربع و با احتساب حریم منطقه حدود ۲۱۰ کیلومتر مربع است و جمعیت آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۴۳۹۴۶۷ هزار نفر می‌باشد. که معادل ۱۴۱۴۲۶ خانوار، ۲۱۶۰۱۱ مرد و ۲۲۳۴۵۶ زن می‌باشد (وبلاگ شهرداری تهران، ۱۳۹۶).

منطقه نه شهرداری دارای ۲ ناحیه و ۸ محله بوده که در داخل محدوده شهری قرار گرفته‌اند و تعداد ۴۷۷۳۷ خانوار در این دو ناحیه سکونت دارند. این منطقه دارای ۲۰ بوستان می‌باشد و مساحت کل فضای سبز آن ۷۶.۵ هکتار است که شامل فضای سبز بوستان‌ها، جنگلکاری و ریفوژو کچکی می‌باشد (همان، ص ۲).

جامعه آماری در این تحقیق جوانان ۱۸ تا ۲۵ سالی هستند که در سال ۱۳۹۶ در منطقه ۹ تهران ساکن‌اند. منطقه ۱ شهرداری تهران شهرداری بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۴۳۹۴۶۷ هزار نفر می‌باشد. که معادل ۱۴۱۴۲۶ خانوار، ۲۱۶۰۱۱ مرد و ۲۲۳۴۵۶ زن می‌باشد.

منطقه ۹ شهرداری تهران جمعیتی بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ ایران ۱۵۸۵۷۶ نفر، معادل ۵۵۹۱ خانوا که شامل ۸۰۷۴۴ مرد و ۷۷۷۷۲ زن می‌باشند را دارا است. وسعت این منطقه نزدیک به ۶/۱۹ کیلومتر مربع با جمعیتی بالغ بر ۱۷۰۰۰۰ نفر است (مرکز آمار شهرداری تهران، ۱۳۹۶).

۲-۲-۶. واحد تحلیل

در این کار تحقیقی از یک نوع واحد تحلیل استفاده شده است. واحد «تحلیل فردی» که شامل جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال در دو منطقه یک و نه تهران می‌باشند.

۳-۲-۶. روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها

در این کار تحقیقی برای روایی ابزار گردآوری داده‌ها از روایی صوری استفاده شده است. البته در این راستا از نظر استاتید در خصوص پرسشنامه استفاده و مورد تایید آن‌ها واقع شده است. در خصوص پایایی پرسشنامه هم از روش پیش آزمون^{۱۷} استفاده شد. به همین

منظور در ابتدای کار پرسشنامه به طور تصادفی به سی نفر از افرادی که در منطقه مورد بررسی ساکن هستند توزیع گردید و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها از دو طریق آلفای کرونباخ^{۱۸} و ضریب لاندای گاتمن^{۱۹} محاسبه شد که در ذیل به آن اشاره شده است:

لازم بذکر است که محاسبات انجام شده با خطای ۰/۰۵ انجام شده است.

Reliability statistics

1	0/954
2	0/984
3	0/981
4	0/928
5	0/978
6	0
N of items	51

Reliability
statistics

Cronbach s alpha	Cronbach s alpha Based on standardized items	N of items
0/975	0/979	51

با توجه به این اعداد و ارقام به نظر می‌رسد که ضریب پایایی بالاتر از ۰/۷ است که این مقدار برای تایید شدن میزان پایایی لازم مورد قبول است.

از آنجایی که جامعه آماری ما در این پژوهش جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال ساکن در این منطقه هستند و هیچ ارگان و نهاد خاصی آمار درستی از این جامعه آماری در دست ندارد و اگر هم آمار خاصی از جوانان در این مناطق وجود داشته است مربوط به سال‌های ۱۳۸۰ و یا ۱۳۸۵ بوده است لذا در این پژوهش تعداد دقیقی از جامعه آماری وجود ندارد.

18- Cronbach s alpha

19- Guttman s landau

❖ یافته‌ها و نتایج تحقیق

۷-۱. یافته‌های توصیفی پژوهش

در پژوهش انجام شده در مجموع از میان ۲۴۵ پرسشنامه توزیع شده که توسط افراد ۱۸ تا ۲۵ سال در دو منطقه ۱ و تهران ۹ تکمیل شده‌اند، تعداد ۲۲۰ پرسشنامه مورد قبول واقع شد و مورد آزمون قرار گرفت.

۷-۱-۲. توصیف داده‌ها (متغیرهای زمینه‌ای)

متغیرهای زمینه‌ای عبارتند از:

سن - جنسیت - میزان تحصیلات - وضعیت تاهل/تاهل - محل سکونت در منطقه مورد تحقیق

۷-۱-۲-۱. وضعیت سن

از مجموع ۲۲۰ فرد منتخب در دو منطقه وضعیت سنی به شرح ذیل است:

بر این اساس در مجموع افراد ۲۴ سال دارای بیشترین فراوانی و افراد ۱۹ ساله کمترین فراوانی که به ترتیب ۲۰٪ و ۴۷٪ از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند می‌باشند.

بر اساس یافته‌های تحقیق، توزیع سنی پاسخگویان به سوالات پرسشنامه تحقیق به ترتیب: افراد ۲۲ ساله بیشترین و افراد ۱۹ ساله کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

۷-۱-۲-۲. وضعیت جنسیت

بر اساس یافته‌های تحقیق، توزیع جنسی پاسخگویان به سوالات پرسشنامه تحقیق به ترتیب: آقایان با ۵۳/۶۳٪ و خانوم‌ها با ۴۶/۳۶٪ فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

۷-۱-۲-۳. وضعیت تاهل

بر اساس یافته‌های تحقیق، توزیع میزان مجرد یا تاهل پاسخگویان به سوالات پرسشنامه تحقیق به ترتیب: افراد ازدواج کرده (متاهل) با ۴۶/۳۶٪ و افراد مجرد با ۵۳/۶۳٪ فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

۷-۱-۲-۴. میزان تحصیلات

طبق داده‌های تجزیه و تحلیل شده، توزیع فراوانی و درصد آن‌ها مشخص گردید. افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس بیشترین و مدرک کارشناسی ارشد کمترین فراوانی را به خود اختصاص دادند.

۷-۲-۶. وضعیت سکونت در مناطق

بر اساس ه و تحلیل شده تجز، توزیع میزان سکونت افراد در مناطق برای پاسخگویان به سوالات پرسشنامه تحقیق به ترتیب: افراد منطقه ۱ با ۵۱/۴۲٪ و افراد منطقه ۹ با ۴۸/۵۸٪ فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

❖ آزمون فرضیات تحقیق و نتیجه‌گیری

۸-۱. فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد حافظه سیاسی یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش میزان مشارکت سیاسی است. جهت بررسی متغیرهایی که در این تحقیق روی فرضیه اصلی تأثیرگذار هستند، این فرضیه به چندین فرضیه فرعی تقسیم شده است.

که در ذیل به بررسی و آزمون تک تک آن‌ها پرداخته شده است. سپس بر اساس توجه به تجزیه و تحلیل این فرضیات مذکور، نتایج بدست می‌آیند که می‌توانیم با تکیه بر آن‌ها به یک نتیجه‌گیری و ارزیابی کلی در مورد فرضیه اصلی برسیم.

۸-۲. فرضیه فرعی

همانگونه که بیان شد یکی از عوامل مهمی که در مشارکت سیاسی تأثیر بسزایی دارد، حافظه سیاسی است. در این رابطه به بررسی میزان تأثیر آگاهی اجتماعی - سیاسی، اعتماد سیاسی، انسجام سیاسی، اثربخشی سیاسی و فضای باز سیاسی بر حافظه سیاسی و نسبت آن با میزان فعالیت و عملکرد در فضای مجازی پرداخته‌ایم.

متغیرهایی که در این رابطه شناسایی شده‌اند را به کمک آزمون (همبستگی پیرسون) برای فهم معناداری دو متغیر (حافظه سیاسی و متغیرهایی موثر بر آن) را که قبلاً بر حسب سوالات و گویه‌های پنج جوابی بدست آمده است را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

برای بررسی میزان همبستگی و معنی‌داری این دو متغیر تعداد ۱۶ گویه طراحی شده، که بعد از بدست آوردن داده‌های لازم و تجزیه و تحلیل، آن‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهیم.

۸-۲-۱. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و افزایش آگاهی اجتماعی از طریق فعالیت‌های آنلاین افراد در دنیای مجازی رابطه زیادی وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی ۰/۷۶۲ شده است و میزان سطح معنی‌داری (معیار تصمیم) ۰/۰۰۰ بدست آمده است که چون کوچکتر از ۰/۰۵۰ است لذا سطح معنی‌داری دارای معنا است. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. و میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در (حد زیاد) می‌باشد.

در مجموع هرچه میزان فعالیت‌های سیاسی آنلاین در دنیای مجازی مثل (فیس بوک، تلگرام، توئیتر، وبلاگ‌ها، شرکت در جلسات آنلاین، ترغیب به مشارکت از طریق صحبت رو در رو در فضای مجازی، اشتراک یا لایک مطالب سیاسی و ... بیشتر باشد به همان اندازه اثرگذاری بر حافظه سیاسی (آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی) بیشتر و مشارکت سیاسی هم افزایش می‌یابد.

۸-۲-۲. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی ۰/۶۲۴ شده است و میزان سطح معنی‌داری (معیار تصمیم) ۰/۰۰۰ بدست آمده است که چون کوچکتر از ۰/۰۵۰ است لذا سطح معنی‌داری دارای معنا است. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. و میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در (حد متوسط) می‌باشد. البته نوع این فعالیت‌ها در افزایش مشارکت سیاسی بسیار حائز اهمیت است. برخی روش‌ها مثل حمایت مالی از خانواده زندانیان سیاسی، شعار نویسی، شرکت در مراسمات مذهبی با اهداف سیاسی و ... با استقبال کمی مواجه شده‌اند. لذا باید دقت نمود که از چه روش‌هایی باید استفاده کرد تا بتوان مشارکت سیاسی را افزایش داد. در مجموع هرچه میزان فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی در دنیای مجازی بیشتر باشد به همان اندازه اثرگذاری بر حافظه سیاسی و مشارکت سیاسی هم افزایش می‌یابد.

۸-۲-۳. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و حوادث تاریخی رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی $0/836$ شده است و میزان سطح معنی داری (معیار تصمیم) $0/000$ بدست آمده است که چون کوچکتر از $0/050$ است لذا سطح معنی داری دارای معنا است. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. و میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در (حد خیلی زیاد) می‌باشد. البته نوع این حوادث تاریخی و تبلیغات و تکرار آنان بر میزان اثرگذاریشان بسیار تأثیرگذار می‌باشد. در مجموع هرچه میزان تکرار، تبلیغات و بزرگنمایی حوادث تاریخی در دنیای مجازی بیشتر باشد به همان اندازه اثرگذاریش بر حافظه سیاسی و مشارکت سیاسی هم افزایش می‌یابد.

۴-۲-۸. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و حوادث سیاسی رابطه معنی داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی $0/715$ شده است و میزان سطح معنی داری (معیار تصمیم) $0/000$ بدست آمده است که چون کوچکتر از $0/050$ است لذا سطح معنی داری دارای معنا است. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. و میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در (حد زیاد) می‌باشد. البته نوع این حوادث سیاسی و میزان تبلیغات و تکرار آنان بر میزان اثرگذاریشان بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

در مجموع هرچه میزان تکرار، تبلیغات و بزرگنمایی حوادث سیاسی در دنیای مجازی بیشتر باشد به همان اندازه اثرگذاریش بر حافظه سیاسی و مشارکت سیاسی هم افزایش می‌یابد.

۵-۲-۸. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و میزان اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی $0/648$ - شده است و میزان سطح معنی داری (معیار تصمیم) $0/000$ بدست آمده است. لذا سطح معنی داری دارای معنا نمی‌باشد. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. اما رابطه وارونه. میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در (حد مخالف) یا (کم) می‌باشد. میزان اعتماد سیاسی در جامعه آماری که مورد بررسی قرار گرفته است بسیار پایین بوده است. که این زنگ خطر را برای مسئولین و کارگزاران دولتی با شدت زیادی به صدا درآورده است.

اعتماد سیاسی به قوانین گرفته شده بر مبنای جمهوری اسلامی، پشتیبانی و حمایت از عملکرد و مواضع دولت در امور داخلی، لحاظ شدن حفظ دین و دنیای مردم در قوانین، حمایت از آزادی کامل همه گرایش‌ها و احزاب سیاسی بدون ترس از مجازات و پیگرد قانونی، دسترسی یکسان همه گروه‌های سلیسی به منابع و امکانات، در اولویت بودن منافع مردم نسبت به منافع کارگزاران دولتی، وجود تعهد، تخصص و مهارت در بین کارگزاران دولتی، حیف و میل بیت المال و ... بسیار بسیار پایین و مأیوس کننده است. در اکثر شاخص‌های بررسی شده اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نظام منفی بوده است.

۶-۲-۸. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و میزان اثربخشی سیاسی رابطه معنی داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی $0/416$ - شده است و میزان سطح معنی داری (معیار تصمیم) $0/000$ بدست آمده است. لذا سطح معنی داری دارای معنا نمی‌باشد. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. اما رابطه وارونه. میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در (حد نه‌چندان) می‌باشد. میزان اثربخشی سیاسی در جامعه آماری که مورد بررسی قرار گرفته است بسیار پایین‌تر از حد تصور بوده است. که این یک هشدار کاملاً جدی و واقع‌بینانه است برای مسئولین و کارگزاران دولتی که باید هر چه سریع‌تر فکری اصولی و علمی برای آن اندیشیده شود. مردم به این نتیجه دست پیدا کرده‌اند که فقط در ایام انتخابات روی آن‌ها مانور داده می‌شود. در این ایام است که نقششان پررنگ می‌گردد اما بلافاصله بعد از سپری نمودن دوران انتخاباتی، آن‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند. اگر این ذهنیت در حافظه سیاسیشان ماندگار شود در صد مشارکت‌های سیاسی روندی نزولی به خود خواهد گرفت.

در مجموع اگر مردم جامعه در حافظه سیاسی خویش، خود را فاقد اثرگذاری لازم در امور سیاسی بدانند در امور سیاسی هم مشارکت نخواهند کرد. و پایه‌های مردمی نظام سست و سست‌تر می‌گردد.

۸-۲-۷. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و میزان فضای باز سیاسی رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی $0/589$ - شده است و میزان سطح معنی‌داری (معیار تصمیم) $0/000$ بدست آمده است. لذا سطح معنی‌داری دارای معنا نمی‌باشد. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. اما رابطه وارونه. میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در (حد اصلا) یا (خیلی کم) می‌باشد. میزان فضای باز سیاسی در جامعه آماری که مورد بررسی قرار گرفته است بسیار پایین‌تر از حد قابل قبول بوده است. که این یک واقعیتی است بر خلاف گفته‌ها و ادعاهای مسئولینی که حین دوران انتخاباتی وعده‌هایی دیگر می‌دادند. از واقعیت موجود در جامعه تا شعارهای مسئولین هزاران فرسنگ فاصله وجود دارد.

در مجموع اگر در جامعه فضای باز سیاسی برای همه گروه‌ها و احزاب و نهادهای سیاسی بصورت یکسان وجود نداشته باشد، سرخوردگی سیاسی رخ می‌دهد. مردم نسبت به مشارکت سیاسی بی رغبت شده و در آن شرکت نمی‌کنند.

۸-۲-۸. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و میزان انسجام سیاسی رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی $0/624$ - شده است و میزان سطح معنی‌داری (معیار تصمیم) $0/000$ بدست آمده است. لذا سطح معنی‌داری دارای معنا نمی‌باشد. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. اما رابطه وارونه. میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در حد (متوسط به پایین) می‌باشد. میزان انسجام سیاسی در جامعه آماری که مورد بررسی قرار گرفته است بسیار پایین‌تر از حد قابل در میان احزاب و گروه‌های سیاسی بوده است. که این یک واقعیتی است در لایه‌های زیرین جامعه ریشه دوانده و نمو بارز آن را هرازچندگاهی میان نزاع‌ها و درگیری‌های دو جریان عمده سیاسی در کشور (اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان) شاهد هستیم. برچسب‌هایی که طیف اصول‌گرایان سال‌هاست که به تفکر اصلاح طلبی می‌زنند. طیفی که همواره خود را در ظاهر معتدل‌تر در بیانان نظرات سیاسی نشان داده است. خط و مشیی که بعدها جریان فکری اعتدالگرایی روحانی از همین طیف نشأت گرفت و بواسطه عملکرد بد و شعارزدگی بیش از حد دو جریان اصلی یساری در کشور بسیار مورد استقبال هم قرار گرفت.

عواملی که انسجام سیاسی در میان گروه‌ها و احزاب سیاسی را تضعیف می‌نماید بنا به داده‌های تحقیق:

عدم یک رنگی و صداقت در گفتار و رفتار این جریانات سیاسی موجود در کشور با مردم و حتی در گفتارهای بین خود مبین همین مسئله است. از بعد دیگر اتهام زنی گاه و بی گاه این جریانات به یکدیگر از دلایل نبود انسجام سیاسی میان آنهاست. و حتی می‌توان بیان نمود که در جامعه کنونی ما برای اینکه این جریانات مقبولیت سابق خود را پیدا کنند دچار انشعابات سیستمی و حزبی کرده‌اند. مثل جریانات فکری جدیدتر منشعب شده از تفکر اصول‌گرایان یعنی نئو اصولگرایی قالیباف گرفته تا شکل‌گیری جریان فکری نزدیک به تفکرات اصلاح طلبی توسط دکتر کواکبیان بنام حزی مردم سالاری.

در مجموع اگر در جامعه میان احزاب و گروه‌های سیاسی انسجام سیاسی وجود نداشته باشد انشقاق فکری و عدم وجود یک جریان سیاسی هدایت کننده افکار عمومی و تأثیرگذار بر حافظه سیاسی کشور را با بحران نبود جریانات محرکی که زمینه مشارکت‌های سیاسی گسترده‌تری را فراهم می‌کنند مواجه خواهد کرد. لذا برای ترمیم آن باید فکری زیربنایی شود.

۸-۲-۹. به نظر می‌رسد میان عملکرد حافظه سیاسی و میزان آگاهی بخشی دولتها رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.

همانگونه که از نتیجه بدست آمده مشخص است، میزان ضریب همبستگی $0/319$ + شده است و میزان سطح معنی‌داری (معیار تصمیم) $0/000$ بدست آمده است. لذا سطح معنی‌داری دارای معنا می‌باشد. این یعنی میان این دو متغیر رابطه وجود دارد. میزان رابطه این دو بر طبق داده‌های موجود در حد (کم رو به بالا) می‌باشد. میزان آگاهی بخشی دولتها به عموم جامعه در راستای اثرگذاری بر حافظه سیاسی در کشور با موانع ساختاری فراوانی روبه رو است. از جمله این موانع ساختاری یک متغیر خود ساخته بنام (مصلحت اندیشی سیاسی) است. این متغیر عاملی شده در دست دولتها و یا نهادهای سیاسی نزدیک به آنها چه نهادهایی که در رأس هرم قدرت هستند و یا نهادهایی که زیرمجموعه دولتها محسوب می‌شوند. هرگاه حادثه سیاسی و یا تاریخی و حتی اجتماعی که رنگ و بوی سیاسی دارد رخ می‌دهد دولتها با دستاویز قرار دادن این عامل، افکار عمومی جامعه خود را از حق دانستن و مطلع شدن در مورد آن

رویدادها محروم می‌نمایند. مثال‌های فراوانی می‌توان در این راستا ارائه نمود که حداقل در دو دهه گذشته شاهد آن بوده‌ایم. عدم آگاهی بخشی در مورد حوادث کوی دانشگاه، قتل‌های زنجیره‌ای، عدم اطلاع رسانی به موقع و حتی درست در مورد علت مرگ خبرنگار ایرانی - کانادایی خانوم زهرا کاظمی در بازداشتگاه، ستار بهشتی وبلاگ نویس معترض و، عدم آگاهی بخشی از حوادث تاریخی مثل شناسایی عوامل اسید پاشی در تهران و اصفهان در راستای فتوای انعمه جمعه در این شهرها و حتی سایر شهرهای دیگر، عدم شفاف سازی راجع به دلارهای گم شده، دکل نفتی ناپدید شده در روز روشن در دریا، وجود حساب‌های متعدد بنام رؤسای قوا و پول‌های میلیاردی در آن که با قوانین موجود در کشور منافات داشته است، عدم اطلاع رسانی و آگاهی بخشی در راستای پاسخگویی به عملکرد کارگزاران، دولت‌ها و سطوح مدیریتی و رهبری نظام از عملکرد خود به افکار عمومی تشنه دانستن در مورد گذشته و حال خود و

- در مجموع با نگاهی کاملاً واقع‌بینانه و مبتنی بر شواهد و داده‌های تحقیق به صراحت می‌توان بیان کرد که سیستم مدیریتی این کشور اعم از رؤسای سه قوه در سطح ارشد تا کارگزاران سطوح پایین‌تر علاقه کمی به آگاهی بخشی به افکار عمومی جامعه دارند مگر اینکه نهادها و احزاب خارج از دایره قدرت در راستای منافع خود برخی اطلاعات و آگاهی رسانی‌هایی را انجام دهند تا این بزرگواران مجبور شوند به پاسخگویی و اطلاع رسانی. همین موضوع، نگرانی‌های جدی را در میان جامعه هدف در راستای گردش اطلاعات درست، به موقع و به هنگام ایجاد نمونه و خواسته‌های مطالبه‌گرایانه این طیف را بیشتر و بیشتر کرده است. البته با در نظر گرفتن فضای سیاسی بسته یا در خوشبینانه‌ترین حالت نیمه باز سیاسی در کشور، عدم گردش درست اطلاعات امری بدیهی است. لذا ابتداء باید تلاش گردد تا فضای امنیتی از کشور دور گردد تا زمینه‌ها برای گردش آزادانه اطلاعات از طریق نهادهای مسئول آماده شود.

• نتیجه‌گیری کلی

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از شاخص‌های عمده توسعه سیاسی محسوب می‌گردد. اصولاً مشارکت سیاسی به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» است. و به عنوان «نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود». در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است از؛ درگیر شدن توده‌های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود. مشارکت سیاسی می‌تواند در دو سطح توده‌ها (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی) معنا یابد. عوامل متعددی بر میزان مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های سیاسی دخیل هستند. در این کار تحقیقی تلاش شده است تا به بررسی تأثیرات حافظه سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی پرداخته شود. از دیر باز حافظه سیاسی در جامعه ایرانی نقش کم‌رنگی را در میزان مشارکت‌های سیاسی داشته است. که علل مختلفی برای آن بیان شده است. بنا به اعلان مراکز رسمی، میزان ماندگاری حافظه سیاسی نزد ما ایرانیان چیزی حدود پنج سال می‌باشد. با توجه به تاریخ و قدمت کهن جامعه ایرانی و بر اساس اینکه این کشور حوادث سیاسی و تاریخی فراوانی را در طی این سال‌ها به خود دیده است باید عنوان نمود که این میزان بسیار پایین بوده و حافظه سیاسی (تاریخی) مردم نقش کمی را در گزینش‌های مشارکتی در طول تاریخ ایفا کرده است. البته متغیرهای گوناگونی بر خود حافظه سیاسی به عنوان متغیرهای واسطه اثرگذار هستند که در این تحقیق روی چهار عامل اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، فضای سیاسی و میزان آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی تمرکز شده است.

❖ منابع فارسی

- ۱- ازغندی، علیرضا، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی در ایران، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۹
- ۲- اخوان کاظمی، مسعود، توسعه سیاسی و جامعه مدنی، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، شماره هفتم، ۱۳۷۷
- ۳- امینی، پرویز، گزیده جامعه‌شناسی سیاسی انتخابات و پسا انتخاباتی (انتخابات یازدهم)، مجموعه گفتگوها، یادداشت‌ها و مشاوره‌ها در انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۹۶
- ۴- باصری، احمد، بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی - اجتماعی، مطالعه موردی: خانواده نیروهای مسلح، فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده، ۱۳۸۸
- ۵- بشریه، حسین، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی، نشر علوم نوین، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸
- ۶- پای، لوسین، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه مجید محمدی، فصلنامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۷۰
- ۷- ترنر، جان‌تان، اچ، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه محمد فولادی و محمد بختیاری، موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸
- ۸- ترنر، جان‌تان، اچ، اصول نظری جامعه‌شناسی، ترجمه عادل ابراهیمی، سلیمان میرزائی راجعونی و نازیلا عابدیان، جلد اول، تهران، انتشارات لویه، ۱۳۹۶
- ۹- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۰- دارابی، علی، بنیان‌های نظری رفتارهای انتخاباتی شهروندان در ایران، فصلنامه پژوهشی ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۵۸، تهران، ۱۳۸۸
- ۱۱- داوود، فیروزی، مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۱، تهران، ۱۳۷۷
- ۱۲- دال، رابرت، تجزیه و تحلیل سیاسی، ترجمه حسین ظفریان، انتشارات خرمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴
- ۱۳- راستگویان، ایمان، حافظه تاریخی و رابطه آن با نظام هویتی، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، ۱۳۹۵
- ۱۴- راش، مایکل، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۷
- ۱۵- رضایی، عبدالعلی، مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۹، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۶- ریکور، پل، خاطره، تاریخ، فراموشی، فصلنامه گفتگو، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۷۴
- ۱۷- سردارآبادی، خلیل، غفاری، وحید، بررسی تأثیرات رسانه‌های جمعی و فناوری‌های نوین ارتباطی بر آگاهی‌های سیاسی، مطالعه موردی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، مجله علوم انسانی، شماره ۳، ۱۳۸۲
- ۱۸- سید امامی، کاووس، افتخاری، اصغر، ارزش‌ها و نگرش‌ها در رفتار سیاسی جوانان، گزارش پژوهشی سازمان ملی جوانان، تهران، ۱۳۸۵
- ۱۹- شهرام‌نیا، امیر مسعود، میلانی، جمیل، کرمی‌راد، جواد، عوامل مؤثر بر رفتارهای انتخاباتی (انتخابات دهم ریاست جمهوری)، اصفهان، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۹۵
- ۲۰- شمس، عاطفه، سازوکارهای اجتماعی حافظه و فراموشی تاریخی، گفتگوی تحلیلی با ناصر فکوهی در روزنامه اعتماد، ۱۳۹۴
- ۲۱- کاووس، سید امامی، سنجش و سطوح مشارکت سیاسی (گزارش تحقیقی)، سازمان ملی جوانان، دفتر مطالعات و تحقیقات، ۱۳۸۴

- ۲۲- صالحی، عباس، چیستی و چگونگی مشارکت سیاسی، مجله پگاه، شماره ۲۰۰، تهران، ۱۳۸۶
- ۲۳- عبدالعی نژاد، علیرضا، قاسمی نژاد، ابودر، رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در انتخابات، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۹۴
- ۲۴- فاضلی، نعمت‌الله، چیستی حافظه تاریخی ایرانیان و ویژگی‌های آن در طول تاریخ و چگونگی تحول آن، مصاحبه تحلیلی در روزنامه اعتماد، ۱۳۹۴
- ۲۵- حاجیلو، فتانه، گلابی، فاطمه، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان، مطالعه موردی: آذربایجان شرقی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره اول، ۱۳۹۱
- ۲۶- جی. کی. آلموند، بی پاول، مشارکت سیاسی و حضور شهروندان، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۶۳، ۱۳۸۰
- ۲۷- هوارت، دیوید، نظریه گفتمانی، روش و نظریه در علوم سیاسی، گردآوری و تدوین دیوید مارش و جری اسکوتر، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۸
- ۲۸- مظفری‌نیا، مهدی، عباس منوچهری، اندیشه‌شناسی سیاسی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۸، ۱۳۹۵
- ۲۹- میرزائی راجعونی، سلیمان، تقریرات درس جامعه‌شناسی سیاسی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه البرز قزوین، سال تحصیلی، ۱۳۹۶.
- ۳۰- نیازی، محسن، تبیین موانع مشارکت اجتماعی - سیاسی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱

- 1-Adam, B., 1995. Timewatch. Polity Press, Cambridge
- 2-Bourdieu, P., 1980. Le Sens pratique. Les Éditions de Minuit, Paris
- 3-Dalton, Russell J., 2014. Citizen Politics: Public Opinion and Political Parties in Advanced Industrial Democracies, sixth ed. Sage Publications/CQ Press, Los Angeles.
- 4-Denhardt, Robert B. Janet . V. and Denhardt, 2007. The New Public Service: Serving, Not Steering, Regents Press of Kansas.
- 5-Divid M. FARIS & RAHIMI. BABAK. Social media in iran. Political and society after 2009. Statate university of new York press. 2015
- 6-Durkheim, E., 1937. Les Règles de la méthode sociologique. P.U.F., Paris
- 7-Halbwachs, M., 1925. Les Cadres sociaux de la mémoire. Alcan, Paris
- Cambridge, MA., 8-Huntington, S.P., Nelson, J.M., 1976. No Easy Choice. Harvard University Press
- 9-JAMES M. MAYO. Geographical review. american geographical society. war memorialals as political memory. Vol. 78. No.1. 2014
- 10-Jeudy, H.-P., 1986. Mémoires du social. P.U.F., Paris
- . Chicago, 11-Mead, G.-H., 1932. The Philosophy of the Present. The University of Chicago Press
- 12-Milbrath, L.W., 1965. Political Participation. Rand McNally, Chicago.
- Eds.), Japanese Social (.13-Ogino, M., 2013. Structuralism, post-structuralism and thereafter. In: Elliott, A., et al Theory: From Individualization to Globalization in Japan Today. Routledge, New York.
- 14-Olick, J.-K., 2007. The Politics of Regret. Routledge, New York
- 15-Polanyi, M., 1966. The Tacit Dimension. Routeledge & Kegan Paul Ltd., London
- 16-Schutz, A., Luckmann, T., 1973. The Structure of the Social World. Northwestern University Press, Evanston
- 17-Verba, S., Schlozman, K.L., Brady, H.E., 1995. Voice and Equality. Harvard University Press, Cambridge, MA.